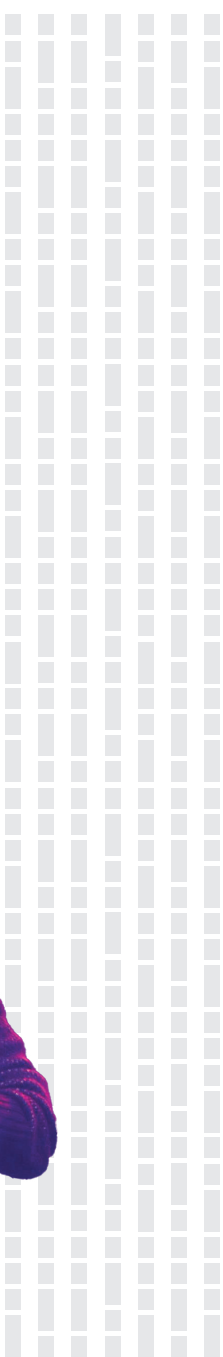


فرهنگ‌یختگان

📅
یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴
📺
شماره ۴۳۸۵
📺
FARHIKHTEGANDAILY.COM
📺
FARHIKHTEGANONLINE



«فرهیختگان» به بهانهٔ برگزار نشدن کنسرت طهماسبی در اهواز جزئیاتی از وضعیت سالن های استاندارد کشور منتشر می‌کند

عرفان پشت در سالن



کیانا تصدقی مقدم خبرنگار گروه فرهنگ

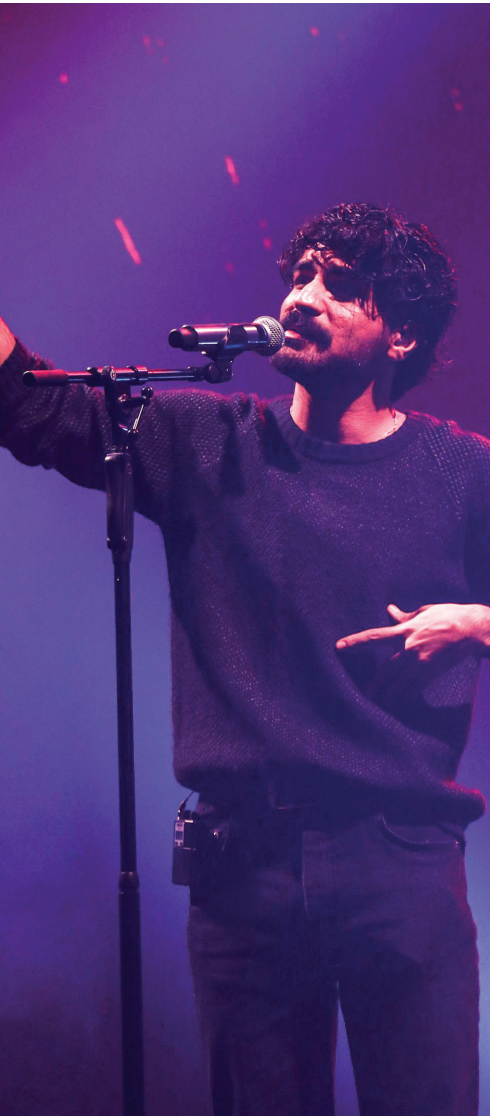
عرفان طهماسبی، خواننده محبوب خوزستانی، دو روز پیش با انتشار پستی در اینستاگرام از عدم برگزاری کنسرتش در اهواز خبر داد و نوشت: «خون دل خوردم و هنوز موفق نشده‌ایم| اجرای درخو شانی برای مردم نجیب و عزیز خوزستان رقم بزیم، مدت‌هاست برای تحقق یک اجرای بزرگ و چند هزار نفره در خوزستان تلاش می‌کنیم، ما معتقدیم مردم خوزستان شایسته‌بهترین‌ها هستند؛ شایسته اجرای باشکوه نه سالن‌هایی محدود و کم ظرفیت. تلاش تان برای محدود نگه‌داشتن اجرا در سال‌های حداکثر ۷۰۰ نفری بیپوده است.»

اینکه چرا کنسرت لغو شد و چه‌کسی مقصر این اتفاق هر چند مهم بوده، اما موضوع موردنظر ما برای نوشتن این گزارش نیست. در حال حاضر آن بخش از حرف‌های این خواننده که مربوط به سالن‌های محدود و کم ظرفیت است توجه ما را به خود جلب کرده، موضوعی که تنها به استان خوزستان محدود نمی‌شود و تا به امروز اعتراض خوانندگان دیگر را هم به‌دنبال داشته است.

معمود ظرفیت سالن‌های کشور برای اجرای کنسرت، نبود زیرساخت‌های صوتی و طراحی سن نامناسب برای اجرا از جمله موضوعاتی است که این روزها جان صنعت موسیقی را گرفته است. به‌دفعات خبر رسیده کنسرتی به دلیل نقص فنی لغو شده و این موضوع فقط شهرستان‌ها را در بر نمی‌گیرد؛ با نگاهی به اسامی سالن‌هایی که برای اجرای کنسرت در پایتخت در نظر گرفته شده، می‌بینیم تهران هم که به نسبت شهر های دیگر وضعیت بهتری دارد، از این ضعف زیرساختی مستثنی نیست. در برخی شهر ها سالی برای اجرای کنسرت وجود ندارد، برخی شهرهای دیگر هم صاحب سالن هستند، ظرفیت‌های محدود دارند و زیرساخت‌شان برای اجرای کنسرت مناسب نیست و این موضوع باعث شده اکثر خواننده‌ها در کلان‌شهرهایی مثل شیراز، رشت، اصفهان، کرج، تبریز و... که وضعیت بهتری دارند روی صحنه بروند. به‌بینان ساده‌تر، تعداد سالن‌های استاندارد از لحاظ زیرساختی برای برگزاری کنسرت در کشور، چه در پایتخت و چه در کلان‌شهرها و شهرستان‌ها، کمتر از انگشتان دست است و به‌نظر می‌رسد مسئولان مربوطه باید زاویه نگاه خود را تغییر دهندو علاوه بر کمیت، کیفیت راهم در نظر بگیرند. به‌همین‌بهانه‌سراغ‌آزد انزلی‌پور، مهندس طرح آکوستیک، رفیق و با او درباره وضعیت سالن‌های کنسرت در ایران و مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد صحبت کردیم. به گفته او مشکلات اجرای کنسرت در ایران تنها به مناسب نبودن سالن‌ها به لحاظ زیرساختی بر نمی‌گردد و در برخی موارد خوانندگان هم مهارت لازم را ندارند. از طرفی هم تعداد مخاطبان عام کنسرت بیشتر از مخاطب خاصی است که در زمینه موسیقی تخصص دارند و این موضوع باعث می‌شود اجرا حتی با کیفیت پایین مورد استقبال بارگیرد و نتیجه‌اش می‌شود آنکه مسئولان مربوطه فکری اساسی در باره تجهیز کردن سالن‌ها نکنند.

ویژگی‌های سالن استاندارد برای اجرای کنسرت

اولین سؤال را در باره اینکه سالن کنسرت استاندارد باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد پرسیدیم که انزلی‌پور پاسخ داد: «این موارد شامل ایمنی و آسایش مخاطبان است؛ جمله‌ایمنی در برابر آتش‌سوزی و حریق، سهولت ورود و خروج، فضاهای مناسب برای حضور مخاطبان پیش و پس از اجرا، و دسترسی آسان به سالن (شامل پارکینگ و ملاحظات ترافیکی). مقوله مهم دیگری که غالباً کمتر به آن توجه می‌شود، هدف از حضور مخاطبان است. باید مشخص شود آیا مخاطبان اساساً برای سرگرمی و تفریح به کنسرت می‌آیند یا با هدفی فرهنگی و به‌منظور آموختن؟ عموم مخاطبان، به‌ویژه در حوزه موسیقی پاپ، معمولاً با هدف سرگرمی حضور می‌یابند و بحث موسیقی جدی مطرح نیست، مگر برای افرادی که با اهداف پژوهشی مانند آسیب‌شناسی به موضوع می‌نگرند. از این منظر یک اجرا رویدادی فرهنگی محسوب می‌شود و به همین دلیل، فضاهای جانبی و پیرامونی آن نیز اهمیت می‌یابند. برای مثال، در ارو پا و یقیناً بسیاری نقاط دیگر جهان، مشاهده می‌کنید که مجموعه‌های فرهنگی وجود دارند که خود اجرا تنها بخشی از آنهاست. بخش‌های دیگر شامل امکانات تفریحی، رستوران، فضاهایی برای گردهمایی و تعامل اجتماعی است؛ در واقع، یک بسته کامل فرهنگی –تفریحی ارائه می‌شود.» صدای سالن‌های کنسرت یکی از مورد بحث‌ترین موضوعات بین خوانندگان است و معمولاً اعتراض آن‌ها را به خاطر استاندارد نبودن به‌دنبال دارد. انزلی‌پور درباره این موضوع می‌گوید: «درخصوص استانداردهای صدا، باید گفت که نمی‌توان از یک استاندارد جهان‌شمول و الزام‌آور



صحت بحث کرد که جزئیات دقیقی را تعیین کرده باشد. در سطح جهانی، مجموعه‌ای از توصیه‌ها وجود دارد که عدم رعایت آن‌ها منجر به کاهش کیفیت خروجی فنی یا هنری می‌شود. وضعیت به این صورت نیست که برای مثال در کشوری مانند آلمان، سالی را صرفاً به‌دلیل عدم رعایت این توصیه‌های فنی تعطیل کنند؛ اما طبیعتاً چنین سالی فاقد کیفیت لازم خواهد بود. مخاطب خود را از دست می‌دهد و با افت کیفی مواجه می‌شود. بنابراین، منظور این است که واژه استاندارد به معنای یک الزام قانونی و سفت‌وسخت، در این مورد موضوعیت ندارد و توصیه با استانداردها الزام‌آور متفاوت است. مادر حوزهٔ آکوستیک سالن‌ها، بیشتر با مجموعه‌ای از توصیه‌های فنی و تجربی مواجهیم تا استانداردهای لازم‌الاجرا. رعایت نکردن این توصیه‌ها، هر چند ممکن است مستقیماً به تعطیلی سالن منجر نشود، اما قطعاً بر کیفیت تجربه شنیداری مخاطب و اعتبار هنری و فنی آن مکان تأثیر منفی چشمگیری خواهد گذاشت.»

تعداد سالن‌های استاندارد بسیار اندک است

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم سالن‌هایی که در ایران به اجرای کنسرت اختصاص داده شدند، از لحاظ زیرساختی در شرایط قابل قبولی نیستند. برخی از لحاظ ظرفیت و عمده آن‌ها از لحاظ فنی و صداضعف‌هایی دارند. برای مثال در چهلمین جشنواره موسیقی فجر که یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی کشور محسوب می‌شود زمانی که به‌ضرب‌هام روی صحنه رفت برای چند دقیقه کنسرتش قطع شد و مسئول برگزاری کنسرت‌های پاپ این دوره جشنواره موسیقی فجر در زم‌زال، دلیلش را مشکل فنی اعلام کرد. با در خرداد ۱۴۰۲ که کنسرت چند خواننده پاپ لغو شد، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت، نقص فنی را علت لغو این رویدادها اعلام کرد. از این دست مثال‌ها و لغو کنسرت به‌دلیل مسائل فنی و مربوط به صدا زیاد است و می‌توان به کرات از خوانندگانی نام برد که اجرای‌شان لغو شده است. در ادامه این مهندس طرح آکوستیک در خصوص اینکه طی این سال‌ها، تا چه حد توانسته‌ایم به استانداردها نزدیک شویم و به‌عبارت دیگر، در ایران چند سالن وجود دارد که بتواند در آن‌ها کنسرت برگزار کرد که از کیفیت صدای مطلوب و شرایط مناسب برخوردار باشد، گفت: «آشنایی بنده بیشتر محدود به تهران و شاید چند شهر دیگر است. به گمان من، وضعیت در تهران نسبت به سایر نقاط کشور بهتر است. بنابراین، اگر آمار قابل قبولی از وضعیت تهران در دست داشته باشیم، می‌توانید وضعیت بهترین نقطه ایران را که تهران است ارزیابی کنید و نتیجه بگیرید که وضعیت در سایر نقاط، بالطبع نامطلوب‌تر است. نخستین مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که ما سالن کنسرت را برای چه‌نوع موسیقی‌ای در نظر می‌گیریم؟ ببینید، باید دوشاخه اصلی را از یکدیگر تفکیک کنیم؛ موسیقی آکوستیک و موسیقی الکترو آکوستیک؛ یا به‌تعبیری دیگر صدای طبیعی و صدای تقویت‌شده. یعنی حالتی که در آن صدای موسیقی به‌صورت بی‌واسطه و طبیعی به گوش مخاطب می‌رسد، در مقابل حالتی که برنامه‌ریزی شده تا صدا الزاماً از طریق سیستم تقویت‌کننده به مخاطب منتقل شود. پرسش این است که در تهران چند سالن آکوستیک داریم که عملکرد مطلوبی داشته باشند؟ حقیقت این است که اگر عملکرد مطلوب را با حداقل استانداردها در نظر بگیریم، تعداد آن‌ها بسیار اندک است؛ شاید بتوان به دو یا سه سالن اشاره کرد. برای مثال یکی همین تالار رودکی که اشاره شد کامل نیست و دیگری سالن اصلی باغ کتاب است.» او در ادامه در باره سالن‌های موسیقی که عمدتاً به اجراهای پاپ اختصاص دارند، می‌گوید: «سالن‌هایی مانند سالن وزارت کشور، مرکز همایش‌های برج میلاد و سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی نمونه‌هایی از این دستند که عموم مردم با کاربری آن‌ها در این زمینه آشنا هستند. توصیه‌هایی که در این زمینه باید رعایت شوند و پیش‌تر گفتیم که بهتر است از واژه «توصیه» به‌جای «استاندارد» استفاده کنیم، شامل چند مسئله کلیدی است؛ هم صدا باید به‌خوبی به مخاطب برسد و هم تصویر. یعنی سالن‌هایی در تهران و شهرستان‌ها داریم که دید مناسبی به‌صحنه ندارند یا زاویه دید مخاطب مطلوب نیست. باید توجه داشت که نمی‌توان صدا را کاملاً مستقل از سایر عوامل در نظر گرفت زیرا زمانی که مخاطب صحنه را می‌بیند، صدا را به‌گونه‌ای متفاوت از زمانی که دید به صحنه ندارد، درک و دریافت می‌کند. به همین دلیل عامل دید نیز باید حتماً در محاسبات و طراحی‌ها لحاظ شود. مسئله دیگر، تهویه مطبوع سالن است. هنگامی که تهویه مناسب نیست یا جایگاه مخاطب دید مطلوبی ندارد، صدا نیز نامطلوب‌تر از آنچه واقعاً هست، دریافت می‌شود. بر عکس، اگر شرایط دید و تهویه مناسب باشد، صدا بهتر از کیفیت واقعی‌اش حس می‌شود؛ زیرا این حواس از یکدیگر منفک نیستند.»

گاهی مشکل از خواننده است نه سالن کنسرت

انزلی‌پور در ادامه با اشاره به اینکه کیفیت یک اجرا فقط به استاندارد بودن زیرساخت‌ها بر نمی‌گردد و توانمندی خواننده هم مؤثر است، گفت: «بازگردیم به همان کلمه «استاندارد»، اگر بخواهیم از این کلمه استفاده کنیم، باید توجه داشت که استاندارد صرفاً شامل دیوار و ساختمان نمی‌شود؛ بلکه نیروی انسانی را نیز در بر می‌گیرد. ممکن است ساختمان استاندارد باشد، اما فردی که با آن کار می‌کند، فاقد صلاحیت لازم باشد. من عذرخواهی کنم که اگر صریح بیان می‌کنم یا حتی ممکن است هنرمند «غیراستاندارد» عمل کند؛ یعنی با نحوه صحیح استفاده از تجهیزات آشنا نباشد. برای مثال، ممکن است تصور کند صرفاً قرار دادن میکروفن در جایی کافی است، یا خواننده تکنیک صحیح به کارگیری میکروفن را نداند، یا اصولاً به کیفیت صدا توجه نکند و مسائل دیگری را در اولویت قرار دهد. کیفیت نهایی، محصول مجموع همه این عوامل است. من می‌توانم در ادامه سالن‌های کنسرتی که در آن صدا از طریق تقویت‌کننده و بلندگو به جمعیت می‌رسد و در شرایط نسبتاً معقولی قرار دارند را نام ببرم؛ بهترین وضعیت متعلق به سالن وزارت کشور است. تالار وحدت نیز کم‌وبیش وضعیت مناسبی دارد. مرکز همایش‌های برج میلاد، تحت شرایطی خاص قابل قبول است، اما نه کاملاً زیرا طراحی هندسی و ابعاد سالن آن مشکلات اساسی دارد. سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی اساساً شرایط مناسبی ندارد. در میان سالن‌های کوچک‌تر، برای مثال سالن آوا پلات که بنده نیز در آنجا کار کرده‌ام، سالن بسیار خوبی است. سالن‌های باغ کتاب نیز وضعیت مطلوبی دارند. اما پردیس تئاتر شهر زاد شرایط مناسبی ندارد. در مجموعه تئاتر شهر نیز وضعیت آکوستیکی سالن‌ها، به‌خصوص سالن‌های طبقات پایین، اصلاً مناسب نیست. سالن اسپیناس پالاس وضعیت بسیار بدی دارد و این موضوعی است که خود مسئولان آنجا نیز به‌خوبی از آن آگاه هستند. مسئله پیچیده‌ای نیست؛ به هندسه سالن مربوط می‌شود. اگر به هندسه سالن اسپیناس پالاس نگاه کنید، هر متخصصی به‌شما خواهد گفت که این هندسه نادرست است. نسبت طول به عرض سالن، ابعاد صحنه، عمق صحنه، و نسبت طول به عرض خود صحنه، همگی نادرستند. این در حالی است که سیستم صوتی نصب‌شده در آنجا لزوماً بد نیست؛ سیستم نسبتاً خوبی دارد و نحوه به‌کارگیری آن نیز نسبتاً مناسب است. البته سالن وزارت کشور هم مشکلات هندسی فراوانی دارد.

افزایش تعداد اجرای پلی‌پک

ربطی به مشکلات صدای سالن ندارد

در سال‌های اخیر تعداد اجراهای پلی‌پک میان خوانندگان پاپ بیشتر از پیش

شده است. به‌طوری که خوانندگان دیگر خود را محق چنین اجرایی می‌دانند و اگر دست‌شان برای مخاطب رو شود خیلی نگران از دست دادن مخاطب‌شان نیستند. شاید در مرحله اول مخاطب حق را به خواننده‌دهد که به‌خاطر مشکلات صدای سالن و نبود زیرساخت‌های لازم، خواننده ترجیح می‌دهد پلی‌پک بخواند تا مخاطب اجرای بی‌نقصی ببیند، اما این یک گزاره کاملاً غلط است. انزلی‌پور در بخشی از صحبت‌های خود با اشاره به این موضوع می‌گوید: «من پاسخ خودم را می‌دهم و تأکید می‌کنم که این نظر شخصی من است و لزوماً یک مسئله علمی و مهندسی با شواهد قطعی نیست. ببینید، من می‌توانم از دو منظر به این پرسش پاسخ دهم؛ یکی بر اساس تجربه‌ام و آشنایی با اهالی این حرفه، و دیگری بر اساس ملاحظات منطقی. صدایی که قرار است در سالن پخش شود، چه به‌صورت زنده تولید شود و چه از پیش ضبط شده باشد، در نهایت از طریق همان سیستم صوتی و در همان فضای آکوستیکی سالن پخش می‌شود. بنابراین هیچ تفاوتی نمی‌کند. اگر شما بگویید که «خب، این سالن اشکال فنی دارد و وقتی در آن کنسرت زنده اجرا می‌کنیم، اوضاع خوب پیش نمی‌رود»، شاید حرف درستی بزیند. اما آیا اگر همان اجرا را ضبط کنیم و در همان سالن پخش کنیم، اوضاع بهتر می‌شود؟ نه. چه فرقی کرد؟ بنابراین پلی‌پک کردن نسبت به صدایی که در لحظه تولید و پخش می‌شود، هیچ مزیت فنی‌ای ندارد که بگوییم چون سالن ایراد فنی دارد، پس بیاییم پلی‌پک کنیم تا آن مشکل را دور بزینم. نه، هیچ ربطی از این منظر وجود ندارد.» او ادامه داد: «درواقع پلی‌پک هیچ مزیتی ایجاد نمی‌کند. ما می‌دانیم که فلان هنرمند چقدر توانایی تکنیکی دارد. هر آدم متخصص، هر روزمین قابل، هر صدابردار و تهیه‌کننده قابلی، اگر فیلم یک کنسرت را ببیند، از روی زبان بدن آن آرتیست می‌فهمد که آیا واقعاً دارد روی پلی‌پک ادا در می‌آورد یا اینکه واقعاً در حال اجراست. آرتیستی که واقعاً اجرا می‌کند، زبان بدن متفاوتی دارد. حالا آن‌هایی که با خیال راحت ساز می‌زنند و اصلاً هیچ استرسی هم ندارند، خب معلوم است که دارند با پلی‌پک ساز می‌زنند! اصلاً نمی‌توان این را پنهان کرد. و صرف‌نظر از این، ما رزومه آن آدم را می‌شناسیم، توانایی فنی و تکنیکی‌اش را می‌شناسیم، فقطش را می‌شناسیم. می‌دانیم این خروجی صدایی که داریم می‌شونیم، هیچ‌وقت از آن آدم خاص در نخواهد آمد. بنابراین چرا پلی‌پک انجام می‌شود؟ چون برخی توانایی اجرای زنده آن کار را ندارند. در نتیجه، دستگاه پخش‌کننده اجرا می‌کند و آن‌ها ادایش را در می‌آورند. آیا منطقی است که بگوییم چون مشکل فنی در سالن وجود دارد، هنرمندان به سراغ این راه‌حل پلی‌پک رفته‌اند؟»

چون بلیت‌ها فروش می‌رود دغدغه‌ای برای استانداردسازی نیست

نکته دیگر که باید به آن توجه کرد قیمت نجومی بلیت کنسرت است. در سال ۱۴۰۳ قیمت از ۲۰۰ هزار تومان شروع می‌شد و تا ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان ادامه داشت. با این حال مخاطبان همچنان طرفدار کنسرت هستند و با وجود چنین قیمتی و در شرایط اقتصادی حال حاضر از اجرای خواننده محبوب‌شان استقبال می‌کنند. مخاطب بلیت میلیونی خریداری می‌کند و این انتظار می‌رود که اجرایی با کمترین نقص را چه از لحاظ دیداری و چه شنیداری یا اصلاً از لحاظ دسترسی آسان به سالن کنسرت تجربه کند. موضوعی که به نظر می‌رسد سعه‌صدر بیشتری از سوی مسئولان مربوطه را می‌طلبد و لازمه آن این است که جدا از کمیت که به تعداد اجراها بر می‌گردد، کیفیت را هم در نظر بگیرند. انزلی‌پور درباره تجهیز کردن سالن‌ها و اینکه چرا تا به امروز اتفاق خاصی در این زمینه نیفتاده است، می‌گوید: «شما به تربیت هنرمندان، به‌خصوص در حوزه موسیقی که یکی از پیچیده‌ترین هنرهاست نگاه کنید. همه هنر‌ها پیچیده‌اند، اما موسیقی پیچیدگی خاصی دارد. ببینید، شما اگر استعداد و توانایی داشته باشید، شاید بتوانید ظرف پنج تا ۱۰ سال در بازگry به جایگاه قابل قبولی برسید، ولی

بعد است کسی در پنج یا ۱۰ سال در موسیقی به جایگاه برجسته‌ای برسد، مگر اینکه استعدادی خارق‌العاده داشته باشد. موسیقی معمولاً زمان بیشتری می‌طلبد. بنابراین، افراد باید از کودکی یا نوجوانی وارد این عرصه شوند و این نیازمند یک سرمایه‌گذاری فرهنگی است. یعنی جامعه باید بپذیرد که اگر جوان من در ۱۰ یا ۱۵ سالگی می‌خواهد به‌شکل خیلی جدی دنبال موسیقی برود، این کاری است که آینده و عاقبت دارد. این چگونه باید گسترش پیدا کند؟ نیازمند یک سیاست کلان فرهنگی است. درنهایت، مخاطب هم از این طریق آموزش می‌بیند و تربیت می‌شود. مخاطب موسیقی می‌تواند کسی باشد که خودش دستی در موسیقی دارد، یا کسی که خودش سر رشته‌ای ندارد اما اعضای خانواده‌اش، فرزندان‌ش یا بستگان‌ش دیگر موسیقی‌اند، یا حتی کسی که هیچ کدام از نزدیکانش مستقیماً درگیر موسیقی نیستند، اما گوشش به شنیدن موسیقی «خوب» عادت کرده است. بله، منظوم از «موسیقی خوب» در اینجا اساساً بحث محتوای فرهنگی و پیچیدگی و تعالی هنری نیست، بلکه حداقل از نظر ظاهر و کیفیت اجراست. وقتی این مخاطب، این «استاندارد» حداقلی را نمی‌شناسد و با آن آشنایی ندارد، همان داستانی پیش می‌آید که ایران خودرو می‌گفت «ما پیکان می‌سازیم، مردم می‌خرند!» درست است؟ الا آن هم شاید سالن‌های کنسرت آن‌طور که باید، خوب کار نمی‌کنند، چون با همین وضعیت موجود هم بلیت‌ها فروش می‌رود.» او در ادامه با اشاره به اینکه در ایران شرایط برای استانداردسازی سالن‌ها مهیاست، می‌گوید: «ما دانش فنی آن وجود دارد، هم توانایی مهندسی، هم تجهیزات لازم؛ همه چیز فراهم است. اساساً مسئله این نیست. ببینید، بارها این گفتگو میان ما و دوستانی که در این عرصه فعالیت‌درگرفته‌است، آن‌ها می‌گویند «این استانداردهایی که مد‌نظر شما و همکارانتان است، از سوی مردم درک نمی‌شود. پاسخ من همیشه این بوده‌است: «اشباه می‌کنید. مسئله اصلی من این نیست که مردم این استانداردها را درک می‌کنند یا خیر؛ مسئله این است که شما به‌عنوان سازنده یا مجری، خودتان ضرورت این استانداردها را درک نمی‌کنید؛ زیرا اگر درک می‌کردید، به نظر یا درک مردم توجه نمی‌کردید و کار درست را انجام می‌دادید. کاری را که خود صحیح می‌دانستید، انجام می‌دادید؛ منظر نمی‌ماندید تا ببینید که آیا مردم آن را می‌خواهند یا نه، تا بعد بگویید چرا باید این کار را کنم. اگر شما واقعاً اهلیت این کار را داشتید و دغدغه آن در دلتان بود، خودتان استاندارد مطلوب خودتان را پیاده می‌کردید و یقیناً مردم نیز استقبال می‌کردند.» بنابراین، یکی از مشکلات اصلی ما این نیست که آیا مخاطب برای این کیفیت هنر زینه می‌کند یا به آن توجه نشان می‌دهد یا خیر. مسئله این است که آن فرد واسطه- سازنده سالن، سرمایه‌گذار برنامه- خود فاقد درک دقیق و عمیقی از این ضرورت‌هاست. او نیز -با عرض پوزش از به‌کارگیری این تعبیر- به‌نوعی جزو عوام فرهنگی محسوب می‌شود، نه خواص آن.»

او ادامه داد: «فرض کنید شما از صبح تا شب درگیر اخبار و آثار فلان خواننده، فلان هنر پیشه و امثالهم باشید و آن‌ها را دنبال کنید؛ آیا این امر الزاماً موجب ارتقای سطح درک هنری شما به آن تراز بالاتر می‌شود؟ برای مثال، استاد علی نصیریان را در نظر بگیرید؛ هزاران نفر در طول سالیان با ایشان معاشرت داشته‌اند. آیا این معاشرت لزوماً باعث شده است که آن افراد به سطح فهم ایشان ارتقا یابند؟ الزاماً خیر. زیرا در درجه‌اول، سرمایه‌گذاری ذهنی صورت نگرفته است و در درجه‌دوم، سرمایه‌گذاری از نظر توجه و صرف‌وقت انجام نمی‌شود؛ چراکه دغدغه‌آن وجود نداشته است- البته واژه «دغدغه» را نمی‌پسندم، بهتر است بگوییم دلمشغولی و آن وجود نداشته است- و‌رگه همه امکانات مورد نیاز در کشور فراهم است. به گمان من، هم منابع مالی آن موجود است و هم نیاز به آن احساس می‌شود؛ و یقین دارم که امکانات فنی، علمی و تجهیزات لازم، همه قابل حصول هستند. ما در سالن وزارت کشور، یک سیستم صوتی طراز اول جهانی به ارزش میلیون دلار داریم. بنابراین، امکان وجود تجهیزات پیشرفته در کشور فراهم است و هیچ مشکلی در این زمینه وجود ندارد.»

سالن‌های اجرای کنسرت در کل کشور

شماره	نام سالن	شهر
۱	تالار وزارت کشور	تهران
۲	نمایشگاه بین‌المللی میلاد	تهران
۳	مرکز همایش‌های برج میلاد	تهران
۴	تالار رودکی	تهران
۵	تالار وحدت	تهران
۶	هتل اسپیناس پالاس	تهران
۷	سالن برج آزادی	تهران
۸	سیتی سنتر	اصفهان
۹	تالار مرکزی	یزد
۱۰	تالار وحدت	ارومیه
۱۱	سینما نفت	آبادان
۱۲	سالن هالا احمر	زنجان
۱۳	سینما فرهنگ	میانه
۱۴	سالن ورشی شهدای معلم	اندیمشک
۱۵	سالن همایش دنیای آرزو	ساری
۱۶	سالن نمایشگاه بین‌المللی	قزوین
۱۷	سالن همایش خاوران	تبریز
۱۸	سینما فلسطین	بروجرد
۱۹	اکومال	کرج
۲۰	هتل امپریال	جلفا
۲۱	کنسرت هال VIP مریم	کیش
۲۲	تالار شهر	کاشان
۲۳	فرهنگسرا	شهرکرد
۲۴	سالن نمایشگاه	ماکو
۲۵	حافظ	شیراز
۲۶	تالار شهید آوینی	بندرعباس
۲۷	سینما نفت	آبادان

با نگاهی به سایت‌های هنر تیکت و ایران‌کنسرت به اسامی جدول پیش‌رو رسیدیم. خوانندگان در روزهای پیش‌رو در سالن‌های نام‌برده روی صحنه می‌روند و برای مخاطبان‌شان کنسرت اجرا می‌کنند. همان‌طور که دیده می‌شود تعداد سالن‌ها محدود است و برخی خواننده‌ها در سینماها و فرهنگسراها روی صحنه می‌روند.